

سفری با آلمان



رنج بیماری و کسالت چندساله مرا ناچار از مسافرت با اروپا کرد ، و بحکم همین اجبار و ضرورت او آخر اردیبهشت ماه گذشته ایران را بقصد آلمان ترك گفتم ، این مسافرت برای من نکات جالبی از قسمتهای مختلف و خصوصیات زندگی مردم اروپا در برداشت ، که در طی این بحث بمنظور آشنائی خوانندگان با اوضاع عمومی ملل مرقی بیاره ای از حقائق و خاطرات خود اشاره کرده و ذیلا از نظر میکذارانیم .

ما تمدن کنونی اروپا را از جنبه های مختلف و منفی مورد بررسی قرار میدهیم ، زیرا همانگونه که میبایست از دانش و تمدنی که وسائل رفاه و آسایش جامعه را فراهم کرده و فصل نوینی در کتاب عمر بشر گشوده است ؛ تقدیر کنیم ، نمیتوانیم از دست رفتن فضائی که زندگی سعادت مندانه بشریت بآن بستگی دارد ، و در نتیجه انحطاطهایی که دامنگیر جامعه متمدن شده است ، نادیده بگیریم .

متأسفانه برخی از خود باختگان که مظاهر تمدن مادی دیده تمقل و تفکر آنان را خیره کرده ؛ وقتی پسر زمین اروپا قدم میکذاراند سطح دریای افکارشان بتلاطم آمده ، و شدت دچار غرب زدگی میشوند ؛ و یکباره بتمام معنی محکوم ظواهر میگرددند ، و مخصوصاً جنبه های بدومنی بیش از قسمتهای مثبت در روحیه آنان اثر میکذارد ، و بجای تقلید از صنایع و هنرهای واقعی آنها يك سلسله فجایع اخلاقی و مفساد روحی را با خود بارمغان میآورند ؛ این روح خود باختگی که بارزترین عیوب و بزرگترین دلیل عدم شخصیت و استقلال فکری است ، اثر خود را در انحراف افکار آنها از معتقدات دینی میبخشد ، و از آنجائیکه قدرت ندارند با يك مطالعه جامع الاطراف و عمیق قضایا را تجزیه و تحلیل نموده ، میزان خوب و بدکارها را تشخیص دهند ؛ منکر اصالت و واقعیت دین میشوند ؛ و میپندارند پایند بودن با اصول مذهبی جزء خرافات است و بی دینی و لا قیدی ترقی میآورد اصول دانستن حقیقت دین ، انکیزه ای

است که آنها را بتمام مقدمات بدبین کرده ، و روح سرکشی و مخالفت علیه دیانت رادر وجودشان برانگیخته است ، اما نکته قابل توجه اینجاست که توسعه فکری بشر در شئون مختلف زندگی مادی و تحولات شگرف و جهش عظیمی که در صحنه حیات بشر روی داده است ، نتیجه کوششها ورنجهای دانشمندانی است که در گوشه آزمایشگاهها سرگرم مجاهده علمی هستند و با سرپنجه و نیروی علم قوای طبیعت را تسخیر میکنند ؛ پیروزی در صحنه زندگی محصول تلاش مداوم است ؛ مگر امکان دارد نتیجه هوسبازیها و بی بندوباریهای بی حساب ، پیشرفت روزافزون صنعت و اختراعات باشد ؟ به علاوه تکامل در علوم مادی و معنوی هرگز بیک صورت نیست ، بلکه در دو جهت متفاوت قرار دارد ؛ و حتی ممکن است ترقی در یک جهت با سایر قهقرائی در جهت دیگر همراه باشد .

* * *

هر چند روح مادیگری در میان ملل متهدن بسرحدا افراط رسیده ؛ ولی بر خلاف آنچه گفته میشود ؛ اکثر مردم به معتقدات دینی خود پایبندند و پیوند و علاقه خاصی به آئین خود یعنی همان آئین تحریف شده مسیحیت که با انواع خرافات آمیخته شده و قادر نیست عطش روحی و معنوی مردم را اشباع کند ، دارند ، و عجیب است چنین دینی در دنیای متریکی کاملاً حکومت میکند .

روزهای یکشنبه کلیه مؤسسات و مدارس تعطیل ، و از هر سو صدای ناقوسهای کلیسا که طنین مخصوصی دارد . بگوش میرسد و در کلیساها طبقات مختلف مردم اجتماع کرده ، و بسخنان کشیش با کمال خضوع و متانت ، گوش میدهند ، و از تلویزیون برنامه های مخصوص مذهبی تحت نظر کلیسا در مقابل تماشا کنندگان قرار میگیرد ، علاقه مندان بدین نوعاً عقیدند نوزاد خود را هنگام تولد بکلیسا ببرند ؛ تا مراسم نامگذاری بدست کشیش انجام شود ، و بگوش او اوراد مذهبی بخواند ؛ رهبران دینی مورد احترام مردمند و آنها را « پدر روحانی اجتماع » مینامند ، تشکیلات و مؤسسات تبلیغاتی مسیحیت بسیار وسیع و دامنه دار ؛ و از تمام امکاناتیکه علم امروز در اختیار بشر گذارده ، استفاده میکنند ، کلیسا رسماً مطالب دینی جوامع را تحت نظر دارد ؛ حتی در قطارهای شهری آگهی های مذهبی بچشم میخورد ؛ برای تأمین هزینه سنگین این سازمانها ؛ دولت مستقیماً از مردم مالیات میگیرد ؛ و مردم هم مایل باشند یا نباشند مجبورند مالیات دینی را بپردازند ، دولت کلیه وجوهی که از این بابت میگیرد در اختیار کلیسا میگذارد ؛ و بدین ترتیب دستگاه روحانیت مسیح با بودجه کافی و تجهیزات کامل اداره میشود .

* * *

متأسفانه نویسنده بحکم اجبار در یکی از بیمارستان‌های کاتولیکی بستری بودم ، و بعنوان يك دانشجوی مذهبی اسلامی مورد مراقبت و پذیرائی قرار می‌گرفتم ؛ در هر يك از اطاقهای بیماران يك مجسمه از حضرت عیسی (ع) نصب بود ؛ و نقاشیهائی نیز از مریم و عیسی (ع) بچشم می‌خورد ؛ و عصرها مرتباً هنگام تعطیل بیمارستان برای شفای بیماران دعا خوانده میشد .
فراموش نمی‌کنم وقتی خون برای تزریق مورد نیاز بود ؛ رئیس بیمارستان استفسار کرد ؛ اسلام چه خونی برای تزریق تجویز کرده است تا ما همان خون را برای شما تهیه کنیم .

در کشورهاییکه رشد اجتماعی آنها زیاد است ؛ مردم برای آزادی خود حدودی قائلند و از وسائل تمدن و زندگی سود استفاده نمیشود مثلاً تلویزیون يك سلسله مسابقات ورزشی ؛ کلاس درسی ؛ اوضاع طبیعی و طرز زندگی مردم کشورهای دور دست را نمایش میدهد و خلاصه اکثر قسمت‌هایی است که برای ازدیاد اطلاعات و همی مردم مفید است . کسی حق ندارد تحت عنوان آزادی شخصی صدای رادیو را طوری بزند کند که برای آبرین یا همسایه مزاحمت ایجاد نماید ؛ هیچ صاحب خانه‌ای مجاز نیست با تشکیل دادن مجالس خصوصی شب نشینی تا نیمه‌های شب همسایگان را تحت فشار و ناراحتی قرار دهد ، و اصولاً صدای رادیو از هیچ نقطه شهر بگوش نمیرسد ؛ درست بخاطر دارم ، روزی از نزدیکی هتلی که در آن اقامت داشتم ؛ ناگهان آهنگ رادیو در فضا طنین افکن شد ؛ این نخستین باری بود که در آن محیط صدای رادیو شنیدم آنهم آهنگ موسیقی ایرانی !!
و چون موضوع برایم کاملاً تازگی داشت منتظر بودم تا در فرصتی مقتضی تحقیق کرده ، و از جریان آگاهی یابم ؛ اتفاقاً روز بعد یکی از آقایان ایرانی که در آن حوالی سکونت داشت به اقامت آمد ؛ منم از فرصت استفاده کرده جریان روز گذشته را با او در میان گذاشتم ؛ اگر تعجب نکنید هموطن عزیز لحظه ای سکوت کرد و سپس با تبسمی آمیخته به خجلت اعتراف نمود روز گذشته شخصاً دست بچین ابتکاری زده است .

راستی جای بسی تأسف است که در کشور ما نحوه استفاده از اینگونه وسائل از اجرای صحیح و اصولی خود منحرف شده و بوضع رسوائی درآمده است . مناظری که از تلویزیون مشاهده میشود همه میدانند تا چه اندازه در سقوط اخلاقی اجتماع تأثیر دارد و آثار نامطلوبی بجای می‌گذارد با این برنامه غلط و غیر صحیحی که اجرا می‌گردد باید اعتراف کنیم تنها نتیجه اش برای تماشا کنندگان تباهی و خسارت معنوی است و بس .

صدای بلند رادیو از هر گوشه و کناری شنیده می‌شود و بقدری ناراحت کننده است که هر لحظه اعصاب و روح انسان را آزارد می‌دهد این است طرز استفاده اجتماع از تکامل و وسائل مادی زندگی ریشه این نمونه‌های اسفانگیز را باید در فقدان دانش و بینش جستجو نمود آیا

می‌توان گفت جهالت و نادانی مردم در ایجاد چنین وضعی دخالت ندارد و آیا برای یک مسلمان عیب نیست تا این اندازه از آداب و رسوم انسانیت و اصول اخلاقی و دینی فاصله بگیرد و هیچ مرزی برای آزادی خود نشناسد این یک نحوه لجام گسیختگی و خودخواهی بیجا است که بنام آزادی شخصی در این مملکت عملی میشود نمیخواهیم بگوئیم زندگی اروپائی خالی از نواقص است بلکه بعکس نواقص فراوانی دارد؛ ولی لااقل این جهات را رعایت میکنند

(دنباله این بحث را در شماره آینده بخوانید) .

چه کنی شکوه ز ماه و گله از اختر

حضرت امیر مؤمنان (ع) فرمودند: «من کابر الزمان عطب»
یعنی کسیکه با روزگار (قوانین خلقت) دشمنی کند هلاک میشود.
(نقل از تحف العقول)

حضرت جواد (ع) فرمودند: «من عقب علی الزمان طالت
معتبته، یعنی کسیکه بملامت روزگار بپردازد (از قوانین الهی
تخلف کند) ملامتش طولانی میشود و نتیجه‌ای هم نمیکیرد» .